موضوع: بررسی حديث مدينه العلم

حدیث مدینه العلم در کلام علمای اهل سنت

گفته شد برخی از عالمان اهل سنت به صحت این حدیث تصریح کرده اند که یحیی بن معین، ابن جریر طبری و حاکم نیشابوری از جمله آن ها است. نکته ای در مورد ابن معین بیان شده که بدان اشاره می کنیم. در برخی کتاب ها کلامی به وی نسبت داده شده که در مورد حدیث مدینه العلم گفته است «لااصل له».[[1]](#footnote-1) چند نکته در این باره قابل توجه است:

1. اینکه ابن معین این سخن را در کجا بیان کرده و ناقل آن چه کسی است، چیزی ذکر نشده است. این درحالی است که تصریح وی در مورد صحت حدیث، هم مستند است و هم ناقلین آن کاملا مشخص است. روشن است که نسبتی که معلوم نیست درست است یا نادرست است، قابل پذیرش نیست و نمی تواند در برابر نسبت های مستند، ایستادگی کند.

2. بر فرض قبول نسبتی که به ابن معین داده شده، عالمان اهل سنت دو توجیه برای آن بیان کرده اند. مولوی حسن در کتاب المستحسن گفته است ابن معین ابتدا قائل بود که حدیث، لا اصل له، اما بعدا از آن عدول کرده و آن را صحیح دانسته است. شمس الدین الصحاوی نیز در کتاب مقاصد الحسنه در جمع میان این دو سخن یحیی بن معین گفته است: تعبیر لا اصل له مربوط به روایت دیگری هم مضمون این روایت است که به اشتباه به این روایت استناد داده شده است.

3. آیت الله میلانی در نفحات می فرماید: سخن ابن معین در بیان صحت حدیث مدینه العلم به قدری مسلم بوده است که عالمان اهل سنت مانند صلاح الدین علایی، ابن حجر مکی، سیوطی و دیگران بر اظهار دیدگاه خود به کلام ابن معین استناد کرده اند. پس معلوم می شود که قول به صحت حدیث از مسلمات کلام ابن معین بوده است و استناد قول لا اصل له به وی یا اصلا درست نیست و یا اگر هست، مشمول یکی از دو وجهی است که عالمان اهل سنت گفته اند.

4. حافظ ابومحمد سمرقندی (491)

عالم دیگری که حدیث مدینه العلم را معتبر و حسن دانسته حافظ سمرقندی است . وی در کتاب «بحر الاسانید فی صحاح المسانید» که روایات مسند صحیح را نقل کرده این حدیث را آورده است.[[2]](#footnote-2)

5. جلال الدین سیوطی

وی در کتاب های متعدد این حدیث را آورده و در برخی جاها حسن و در برخی صحیح دانسته است. از جمله این کتاب ها عباردتند از: «القول الجلی فی فضائل العلی»، «الجامع الصغیر»، «الدرر المنتشره فی الاحادیث المشتهره»، «تاریخ الخلفا»، «النکته البدیعات علی الموضوعات» و «اللئالی المصنوعه».[[3]](#footnote-3)

6. میرزا محمد بدخشانی

وی که از عالمان هند است در کتاب «نزل الابرار بما صح من مناقب اهل بیت الطهار ع»، ص 75 این حدیث را حسن دانسته است. [[4]](#footnote-4)

7. شیخ محمد صدر العالم

وی نیز حدیث را در کتاب خویش ذکر کرده و حسن دانسته است.[[5]](#footnote-5)

8. سید محمد بخاری

وی صاحب کتاب «تذکره الابرار» است و در آنجا می گوید: فضایل امیرالمومنین (ع) بیشتر از آن است که شمارش شود و بیان از ذکر کمالات ایشان عاجز است. برجستگی نسب شریف آن حضرت را از خبر معتبر رسول خدا (ص) که فرمود: «انا و علی من نور واحده»، و عظمت حسب او را از سخن پیامبر (ص) که فرمود: «اخی فی الدنیا و الاخره» و وفور علم وی را از حدیث صحیح «انا مدینه العلم و علی بابها» می فهمیم[[6]](#footnote-6).

9. محمد بن اسماعیل الیمانی

وی در کتاب «الروضه النبیه» اقوال مختلف درباره حدیث را نقل کرده و گفته است: ائمه حدیث، حدیث صحیح را هفت قسم دانسته اند. یکی از آنها این است که دو نفر از امامان حدیث غیر از شیخین به صحت آن شهادت دهند و محتوای آن منکر نباشد. حدیث مدینه العلم نیز از همین قسم است زیرا ابوعبدالله حاکم و ابن جریر آن را صحیح دانسته اند. با توجه به کلام آنها دیگر سخن ابن جوزی که حدیث را رد کرده چه جایگاهی دارد؟ این در حالی است که ذهبی درباره ابن جوزی گفته است وی در مصنفات خود اشتباه زیاد داشته است.[[7]](#footnote-7)

10. احمد بن محمد بن صدیق الغماری

وی که ابتدا مالکی مذهب و سپس شافعی شده و بعد به صورت مجتهدانه مباحث را دنبال کرده است درباره این حدیث می گوید: دیدم برای برخی احادیث کتاب نوشته اند اما برای حدیث مدینه العلم کتابی نیامده لذا در صدد تحقیق در مورد آن برآمدم. وی با 9 شیوه و قاعده این حدیث را صحیح و معتبر دانسته است .

در جلسات آینده به بررسی این 9 شیوه می پردازیم.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. فیض القدیر، المناوی، ج3، ص 59 ؛ مختصر تحفه اثنی عشریه، عبدالعزیز دهلوی، ص 165 [↑](#footnote-ref-1)
2. جمع الجوامع، ج1، ص373 [↑](#footnote-ref-2)
3. نفحات الازهار، آیت الله میلانی، ج10، ص 224-225 [↑](#footnote-ref-3)
4. الغدیر، علامه امینی، ج6، ص 107 [↑](#footnote-ref-4)
5. نفحات الازهار، آیت الله میلانی، ج10، ص 282 [↑](#footnote-ref-5)
6. نفحات الازهار، آیت الله میلانی، ج10، ص 267 [↑](#footnote-ref-6)
7. الروضه النبیه، سید محمد بخاری، ص 177- 179 ؛ نفحات الازهار، آیت الله میلانی، ج10، ص 289 [↑](#footnote-ref-7)